

دعوت؛ ملاك خيريت در عصر پیامبر

محمدانور بزرگزاده

«کتتم خیر أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله» [آل عمران: ۱۱۰].

در تاریخ دوشنبه بیست و یک رمضان برابر با دهم اگست ۶۱۰م، در شهر مکه خاتم پیامبران با نزول روح القدس، جبرئیل فرشته، مبعوث می شود^(۱) و پس از یک دوره زمانی (= فترت)^(۲) نسبتاً طولانی، ارتباط آسمانی - وحیانی بین خدا و انسان باری دیگر و برای آخرین بار برقرار می گردد. اما این بار در این ارتباط و اتصال وحیانی و در نهایت در این آیین جدید دین خدا در مقایسه با ارتباط ها و آیین های پیشین، فرق مراتب کمی و کیفی جدی و آشکاری به چشم می خورد و عمیقاً و از بسیاری جهات و ابعاد قابل توجه و ملاحظه می باشد.

بر طبق وعده موعود، مضبوط و موثوق، مشیت و اراده الهی چنین تعلق گرفته است که آیین نوین که با رسالت و پیامبری «محمد بن عبدالله» آغاز گردیده، تا پایان عمر دنیا پابرجا بماند و همه انسانها، طبقات، اقوام و ملل را با تمامی تفاوت ها و تضادهای نژادی، قومی، فرهنگی، جغرافیایی، اقلیمی و با توجه به کلیه ساخت ها و گونه های مختلف نظم ها و نظامهای زندگی اجتماعی به همراه تنوع و تکثر افکار، نگرش ها و گرایش ها، در طول مقطع تاریخی بسیار ممتد بعد از بعثت پیامبر خاتم تا خاتمه یافتن و پیچیده شدن بساط مبسوط حیات از یک طرف و در تمام گستره زمین از طرف دیگر «از شرک به توحید، از تنگناهای زندگی مادی فانی به فراخنای زندگی اخروی جاوید، و از جور ادیان به عدل اسلام»^(۳) فرا بخواند. و با همسو کردن طیف ها و طبقات دینی و اجتماعی ربع مسکون، در هر زمان و عصری از راه رفع عنادها و تضادهای مهم، امتی را پدید آورد که با پایبندی به درست دینی (= بازگشت به خلوص نخستین)، به نیابت و جانشینی از پیامبر، هم دین (= احکام الهی و سنن نبوی) و هم دینداری (= ایمان و عمل صالح) را از یک نسل و عصر، به نسل و عصری دیگر تبلیغ و ترویج کند، و پیامبروار با همراه ساختن همه امدادها و قدرت های غیبی و نامرئی الهی در سخت ترین شرایط، با تحمل تمامی تنگناها و تنگ نظری ها، تهمت ها و تمسخرها، تهدیدها و تطمیع ها، و بی مهری ها و نامردمی ها، و از سر گذراندن شکننده ترین مشکلات، معضلات، موانع و نابهنجاری های به ظاهر مهارناپذیر به وعده جهانی شدن آیین خاتم پیامبران از جانب خدای تعالی تحقق عینی بخشند.

امت دعوت برای دعوت امت

پیامبر بر اهمیت و عظمت رسالت خود کاملاً آگاه است؛ سنگینی

مسئولیت بزرگ و خطیرش را بخوبی احساس می کند؛ مسئولیتی که به بلندای تاریخ بلند حیات و زندگی بشریت پس از بعثت تا برپایی روز رستاخیز است. چون اراده خداوند عز و جل چنین تعلق گرفته تا سلسله نبوت را با بعثت پیغمبر اسلام به پایان برساند و ارتباط و حیانی بین خدا و انسان را منقطع سازد و از جهتی مهمتر از آن، آیین جدید را، آیینی جهانی و جاودانی اعلام کند، لذاست که پیامبر رسالت داده شده است تا در جهت تربیت و تعلیم امتی بکوشد که پس از بیمه شدن، در مسیر تحقق وعده الهی دست به تلاش شبانه روزی بزند و با مقصود قرار دادن دعوت و تبلیغ، چنان فداکاری و از خودگذشتگی از خویش نشان دهد چونانکه پیامبران خدا! و از جان، ثروت و عمر خویش در راه احیای ایمان و یقین، و اعتقاد به اصول دین و راست اندیشی دینی و غرس نهال ایمان در درونی ترین لایه های قلب های یکایک انسانها، بگذرند و چونان پیغمبران بزرگ الهی، دلهایشان فقط برای همین کار بتپد و خونشان صرفاً به خاطر احیا و گسترش همین احساسات و عواطف پاک در شریانهای بدن به حرکت درآید. تمام حب و بغض ها، شادی ها و غم ها، فقرها و غناها، شکست ها و پیروزی ها، خشم ها و خشونتی ها در همین راه به کار گرفته شود؛ فکرها، سخن ها و قلم ها در این خط مشی عظیم و عظیم النظیر، استفاده گردد.

«امت»ی که خداوند عز و جل در کتاب قرآن، شناسنامه (و اساسنامه)ای را برای آن امت، به محضر مبارک پیامبر مکرم اسلام تقدیم می دارد که وظایف، حوزه مسئولیت و مدت رسالتش را تبیین و تعیین ساخته و روش و ترتیب کار وی را نیز در تربیت آن، بر قلب او الهام و القا می نماید. «امت»ی که به مناسبت جانشینی پیامبر تمام وظایف، حوزه و خطوط اساسی مسئولیت و برنامه تربیتی اش، در حقیقت همان وظایف، حوزه و خطوط اساسی مسئولیت و برنامه تربیتی پیامبر اکرم است. پیامبر با آگاهی و درک عمیق از مسئولیتش در پی افکندن یک «امت بزرگ جهانی دعوت» کارش را در محیط مکه آغاز می کند. نخست، خویشاوندان را به آیین جدید فرامی خواند و سپس دعوتش را (تا چند سال به طور سری) در بین مردم قبایل مختلف مکه گسترش می دهد. هنوز پیامبر اکرم در مکه است که در اثر مهاجرت های متعدد مسلمانان (و غیر مسلمانان) به خارج از مکه و داشتن روابط بازرگانی مردم مکه با شهرهای دیگر حجاز و نیز روابط بازرگانی خارجی، خبر بعثت پیامبر خدا در حجاز، شام، حبشه، یمن، عراق و بسیاری از مناطق منتشر شده است. نام پیامبر بر سر زبانها افتاده است. بیشترینه مردم از پیامبری محمد بن عبدالله و آیین جدیدش سخن می گویند. پیامبری که تأکید می ورزد که به سوی تمام جهانیان فرستاده شده است و آیین وی آخرین آیین

و سپس بقیة مسلمانان است) بهترین امتی هستی که برای نفع رسانی به مردم پدید آورده شده است. (بالا ترین سودمندی شما اینست که مردم جهان را به اسلام دعوت داده و مسلمانان را همواره) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خداوند ایمان دارید.

از سالیان متمادی این نگاه متداول شده بود «خیریت» (= برتری و بهتری) با تمام مراتب و درجاتش، از مختصات نخستینان امت یعنی صحابه، تابعان و اتباع تابعان است، عصری و جمعی و جاری نیست. در هیچ عصر و نسلی، حتی به تناسب آن نسل و عصر امتداد و استمرار نمی یابد. و هیچ کس و یا کسانی بعد از صحابه، تابعان و اتباع تابعان به چنین توصیفی که حتی متناسب حال و زمان خودشان باشد، شایستگی و کفایت نخواهند یافت و این نگاه سنتی هم مسوق به ملاحظات و محظوراتی بود که چنین فهمی را کاملاً طبیعی و صواب می نمود و اصحاب این بینش و باور را متقاعد ساخته بود که اینست و جز این نیست.

ولی پرسمانی که همواره در برخی اذهان و افکار مضبوط و روشمند در پیشینه و فرایند تاریخی به قوت خود باقی بوده و در گرانگه جهان امروز قوت بیشتری به خود گرفته، این است که اساساً ملاحظات و محظوراتی که به چنین فهمی انجامیده تا چه حدود دارای ارجح و اعتبار است و آیا می توان با اتکای به این ملاحظات و محظورات مدعی شد که «خیریت» (= برتری و بهتری) با تمامی مراتب و درجاتش، توصیفی انحصاری برای نخستینان بوده و هست.

برای اینکه به پاسخی روشن دست یافته باشیم، نگاهی تأمل آمیز به آیه فوق می اندازیم و برخی آرا را که در ذیل آن وارد شده، مورد مذاقه قرار می دهیم تا از خلال آن آرا، به نظر صائب و صحیحی دست پیدا کنیم.

در کتب تفسیر در ذیل این آیه به دو رأی عمده ذیل می توان اشاره کرد:

دیدگاه اول: حبر الامت حضرت عبد الله بن عباس می فرماید: این گروه (مورد اشاره در آیه مذکور) کسانی هستند که از مکه به مدینه هجرت کردند و (بعدها) در بدر و حدیبه شرکت جستند.^(۱)

حضرت ابوهریره می فرماید: ما سودمندترین مردم به مردم هستیم؛ زیرا آنان را در حالیکه در بند و زنجیر هستند، به سوی اسلام و هدایت ابدی سوق می دهیم.^(۲)

نحاس می گوید: بر این اساس، معنی آیه این است: «کتتم للناس خیر أمة»؛ یعنی شما به جهت اینکه برای مردم سودمند هستید، بهترین امت نامیده شدید.

علامه قرطبی معتقد است که پس از اینکه به نص تنزیل برای ما ثابت گردید که امت مسلمه بهترین امتهاست، امامان و پیشوایان (امت) از عمران بن حصین این روایت را نقل کرده اند که پیامبر اکرم فرمودند: «بهترین مردم از میان مسلمانان، مردمان عصر من هستند، سپس کسانی که بعد از آنان می آیند، و سپس کسانی که بعد از آنان می آیند.» این حدیث دلالت می کند که نخستینان امت از دیگران افضل هستند و معظم علمای اسلام به این مسئله اتفاق کرده اند. و بدرستی کسانی که پیامبر را به «صحبت و همنشینی» برگزیده اند و او را در عمرشان و لو

آسمانی و باطل کننده همه آیین ها و «امت» اش نیز آخرین امت هاست. و چون او خاتم پیامبران است و پیامبری دیگر مبعوث نمی شود، کلیة انسانها تا برپایی زندگی آخرت مکلف اند به آیین اسلام بگردند و با دست کشیدن از دو آیین یهودیت و نصرانیت و آیین های باطل، همگان را به ایمان به خدا و رسالت محمد بن عبدالله فراخوانند.

صحابه نخستین مخاطبان وحی و اولین نسل پرافتخار این امت

در خلال اوضاع و شرایط بحرانی ای در وادی بطحاء، به دور از چشم نامحرمان و خانسان، آخرین پیامبر الهی، محمد بن عبدالله صلی الله علیه وسلم، با تحمل تمام مرارتها، شکنجه ها، دشمنی ها، پیکارها، حسادت ها، جلای وطن، از دست دادن عزیزترین انسانها و شکیبایی در مقابل گرسنگی و تشنگی، بی خوابی، جنگهای روانی و ... در ظرف مدت بیست و سه سال پیامبری، «صحابه» و اولین نسل پرافتخار این امت را تربیت می کند. کسانی که مخاطبان مستقیم و نخستین وحی و مصادیق اصلی و درجه اول تمام صفات، امتیازات، بشارات و مژده هایی می باشند که در قرآن و احادیث ذکر شده اند.

علامه محمداسلم شیخوپوری، نویسنده و قرآن پژوه معاصر پاکستانی، می گوید:

«حقیقت این است که قرآن کریم تمام صفات، خصوصیات و منش های اخلاقی ای را که برای مؤمنین بیان کرده و تمام عظمت ها و بشارات هایی که ذکر نموده است، پیش از هر مسلمانی، نخست برای صحابه ثابت است. اگر قرآن کریم می گوید: «مؤمن انسان کامل است»، «نیکو کار است»، «خداوند با او است»، «برای مؤمن پاداش خوب است»، «پاداش بزرگ است»، «اجر عظیم است»، «برای مؤمن مغفرت است»، «برای مؤمن بشارات است»، «برای مؤمن هدایت است»، «برای مؤمن آسایش است»، «برای مؤمن عزت است»، «بر مؤمنان رحمت الهی نازل می گردد»، «برای مؤمن محبت الهی است»، «انان جماعت و حزب خدایند»، «و آنان برادر همدیگر هستند»، «مؤمن از خدا می ترسد»، «در برابر خدا سجده کننده و نیایش کننده هستند»، «مصدق همه این سخنان اعم از صفات، کمالات، خصوصیات اخلاقی، عظمت ها و بشارات ها، نخست صحابه می باشند و سایر مسلمانان اعم از محدثین، مفسرین، عباد، زهاد و مجاهدین در مراتب بعدی قرار دارند. مؤمنان نخستین و راستین بی شک صحابه اند و سایر مسلمانان، به لحاظ ایمان، در درجات بعدی قرار می گیرند.»^(۳)

قرآن ملاک برتری (= خیریت) صحابه را دعوت می داند

آیه ۱۱۰ سوره آل عمران، برتری صحابه را بر سایر مسلمانان و برتری امت مسلمه را بر سایر امت های گذشته، در «دعوت»^(۴) جهانیان به اسلام و احیای فریضة «امر به معروف و نهی از منکر» و اهتمام مجدانه به آن در جامعه اسلامی می داند.

خدای تعالی در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران چنین می فرماید: «کتتم خیر أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله»؛ شما (کلمة «کتتم» در درجه نخست متوجه صحابه کرام

بداً فطوبی للغرباء»^(۹۴). در برخی روایات دیگر این عبارت هم در ادامه حدیث آمده است: «هم الذين يصلحون ما أفسد الناس من ستي»، که بالاترین و مهمترین سنت «دعوت اسلامی» است و این در واقع پیشگویی و الهام الهی این امر است که در عصر آخرالزمانی، گروهی از مسلمانان همان فداکاری و از خودگذشتگی صحابه را در احیای دین ورزی و بازسازی ارزشهای اسلامی و مبارزه با مفاسد و بدعت گذاریها از خود نشان خواهند داد. و در این راه تمام آبروی خود را در پای دین فدا خواهند کرد و از همه چیز خود خواهند گذشت و بدین وسیله عصر صحابه را بار دیگر احیا و زنده خواهند کرد. و این تنها چیزی است که باعث خواهد شد تا بار دیگر عصر پیامبر اکرم تداعی گردد و عزت و اعتبار و غلبه مجدد مسلمانان بر ملل دنیا تحقق عینی یابد. و همین وجه تشابه است که پیامبر اکرم بین اول و آخر امت اسلامی در برخی احادیث بدان اشاره می کند. در حدیثی می فرماید: «أمتی کالمطر لا یدری أوله خیر أم آخره». و در حدیثی می فرماید: «مثل أمتی مثل المطر لا یدری أوله خیر أم آخره»^(۹۵).

طبیعی است که بیشترین و اصلی ترین وجه تشابه طرفینی امت «دعوت اسلامی» است که ظهور جنبش ها و دعوت های اسلامی، طلیعه آن و ظهور مهدی و شروع جهاد اسلامی با مستکبران و قداره بندگان جهان، اوج آن خواهد بود. و در همین عصر است که دعوت علنی جهانیان به اسلام از راه دعوت و جهاد توأمان به اوج خود خواهید رسید و عهد آخرالزمانی به تمام و کمال شبیه ترین عصرهای اسلامی با قرون اولی خواهد بود^(۹۶). و این حدیث کاملاً عملی خواهد شد که پیامبر در فرازی فرمود: (روزی فرا خواهد رسید که) هیچ خانه و آلوئکی بر پشت زمین باقی نخواهد ماند مگر اینکه خدای تعالی (کلمه اسلام) را در آن داخل خواهد کرد. در آن روز خداوند عزوجل - به وسیله کلمه اسلام - کسانی را که با برگزیدن کلمه اسلام ایمان می آورند، عزت می بخشد و کسانی را که با انکار کلمه، کفر و عناد می ورزند، با واداشتن به انقیاد ظاهری (و پذیرش حاکمیت سیاسی اسلام) و پرداختن خراج ذلیل می کند.^(۹۷)

از دو نگاه فوق، صحیح تر، نگاه دوم است که فقط ایمان و عمل صالح ملاک «خیریت» و برتری و بهتری مسلمان نمی تواند باشد مگر اینکه وی بعد از ایمان و عمل صالح بر امر «دعوت اسلامی» اهتمام ورزد و همچنانکه خود را متعهد و مسؤول می داند تا ایمان و عمل صالح داشته باشد، همین طور خود را متعهد و مسؤول بداند که ایمان و عمل صالح را در جامعه بشری ترویج و تبلیغ کند. و علت این هم که خداوند عزوجل فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» را مقدم بر ایمان ذکر کرد، این است که ذکر این خصلت به برتری و بهتری مسلمانان بر غیر آنان دلالت کننده تر است، چون غیر مسلمانان نیز ادعای ایمان دارند، اگر چه از حقیقت ایمان دور گشته اند.^(۹۸)

واقعیت این است که تمامی روایات موجود در ذیل این آیه با هم مناسبت و مطابقت دارند و تنها برخی ملاحظات و محظورات موجب گشته است تا برتری و بهتری (= خیریت)، توصیفی انحصاری برای صحابه (که قطعاً هم آنان در عالی ترین مراتب خیریت می باشند) فهم شود و این مسئله ای اجماعی نیست اگر چه بسیاری علمای بزرگ بدان

یکبار دیده اند، از همه مسلمانان برتری یافته اند و هیچ عملی با فضیلت «صحبت» برابری نمی کند.^(۹۹)

دیدگاه دوم: حضرت مجاهد در تفسیر آیه مذکور می گوید: «کنتم خیر أمة» اذ کنتم تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر؛ یعنی شما زمانی بهترین امت ها قرار می گیرید که فریضه امر به معروف و نهی از منکر را بر پا کنید و بدان اهتمام ورزید. از وی در قولی دیگر آمده است: «کنتم خیر أمة أخرجت للناس» علی الشرائط المذكورة فی الآية؛ یعنی بهترین بودن شما در میان امت ها مشروط بر این است که به شرایط ذکر شده در آیه فوق (یعنی: ۱- امر به معروف و ۲- نهی از منکر) پایبند باشید.^(۱۰۰)

امام ابن کثیر در تفسیر مشهورش «تفسیر القرآن العظیم» پس از نقل احادیث متعددی درباره امت اسلامی می گوید: همگی این احادیث در تفسیر آیه «کنتم خیر أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» آمده است. پس هر شخصی که خود را متصف به این صفات نماید، در جرگه آنان داخل می شود و شایستگی ستایش و مدح فوق را پیدا می کند.

ابن کثیر به نقل از قتاده می نویسد: حضرت عمر بن خطاب (در یکی از سفرهای حج خود وقتی در مردم راحت طلبی را مشاهده کرد، آیه «کنتم خیر أمة أخرجت للناس» را تلاوت فرمود و گفت: هر کسی که می خواهد خویش را شادمان سازد و در جرگه امت اسلامی در آید، راهی جز این نیست که به شرایط موجود در آیه فوق عمل کند.^(۱۰۱) در روایتی از حضرت عمر بن خطاب روایت است که فرمود: «من فعل مثل فعلکم کان مثلکم»؛ یعنی هر شخصی که مثل صحابه بر شرایط موجود در آیه وفا کند، مثل آنان خواهد بود.^(۱۰۲)

ابن عباس، مجاهد، عطیه العوفی، عکرمة، عطاء و ربیع بن انس در تفسیر آیه گفته اند: «کنتم خیر أمة أخرجت للناس» یعنی: خیر الناس للناس. و المعنی أنهم خیر الأمم و أنفع الناس للناس و لهذا قال: «تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله».

از دره بنت ابی لهب روایت است که گفت: وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بر منبر ظاهر شد، مردی به پا خاست و گفت: ای رسول خدا! بهترین مردمان چه کسی است؟ پیامبر اکرم در پاسخ فرمود: آشنا ترین و خواننده ترین به قرآن و با تقواترین شان از خدا و کسی که در امر به معروف و نهی از منکر «جدی تر و پایبندتر باشد»^(۱۰۳).

در تاریخ، این خبر منقول است که وقتی حضرت عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید، به سالم بن عبدالله نامه ای نوشت و در آن از وی خواست تا سیره حضرت عمر بن خطاب را بنویسد تا وی در امر خلافت مطابق سیره ایشان عمل نماید. سالم در پاسخ چنین نگاشت: اگر مطابق سیره عمر عمل کنی، بدون تردید تو از عمر در فضیلت پیشی خواهی گرفت؛ چرا که زمان تو همانند زمان عمر نیست و نه مشاوران تو مشاوران او هستند. عمر بن عبدالعزیز می گوید که همین را برای (همه) فقهای زمانش نوشت و همگی سخن سالم را در پاسخ ارسال کردند.^(۱۰۴)

ابو امامه از پیامبر اکرم روایت می کند که آن حضرت فرمود: «طوبی لمن رآنی و آمن بی و طوبی سبع مرات لمن لم یرونی و آمن بی». پیامبر اکرم در حدیثی می فرماید: «بداً الاسلام غرباً و سيعود كما

رأی داده اند.

بنابر این چنانکه در آیه فوق می خوانیم، خداوند برتری امت مسلمه را در: ۱- دعوت جهانیان به اسلام، و ۲- امر به معروف و نهی از منکر در جامعه می داند، و قدر متیقن صحابه کرام در دو امر فوق از تمام مسلمانان گوی سبقت ریوندند و برای ابلاغ دین خدا جان، دارایی و عمر خویش بر کف نهادند و فداییانی (Partizan) بودند که در تمام زندگی جز برای انتشار و اشاعه دین و علوم دینی از یک سو، و دعوت مردمان جهان به اسلام و اقامه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی از سوی دیگر، هدف دیگری نداشتند و به خاطر نشر و اشاعه دین بود که صحابه بزرگوار زنان خود را بیوه، فرزندانشان را یتیم و پدر و مادرانشان را داغدار نمودند و موقعیتهای مناسب اجتماعی خود را فرو نهادند و اموال و دارایی های خویش را نثار تقویت و اقتدار اسلام کردند و از آبرو و حیثیت اجتماعی - قبیله ای چشم پوشیدند و سرانجام به خاطر "دعوت" جهانیان به سوی اسلام بود که عاشقانه و بی تابانه تا پای مرگ می شتافتند و می کشتند و کشته می شدند و پس از ضربت خوردن ندای رسای «فزت و رب الکعبه» را سر می دادند و در حالی که رایحه بهشت را در همین جهان استشمام می کردند، تبسم کنان چشم از جهان فرو می بستند و با یقین کامل به پادشاهای عظیم حیات اخروی و با ایمان به فرجامی نیکوتر جان به جان آفرین تسلیم می کردند.

حدیث «بدأ الإسلام غريباً وسيعود كما بدأ فطوبى للغرباء. هم الذين يصلحون ما أفسد الناس من بعدى من سستی»^(۳۱)، به همین مطلب اشاره دارد و بشارتی است از بشارات پیامبر اسلام که به خیزش دوباره امت زخم خورده اسلامی در برابر قداره بندگان و مدعیان آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در این عصر آخرالزمانی خبر می دهد. بحمدالله با ظهور "جنبش بیداری اسلامی" در سطح جهان اسلام، که محصول مشترک تمامی نهضت های اسلامی در جوامع اسلامی است، طلیعه آن آغاز شده و در دهه های آینده قرن بیست و یکم به اوج خود خواهد رسید و امت اسلامی با رهبری واحد و سلاله ای از سلاله های پاک پیامبر، در کمال ناباوری بر ویرانه های دموکراسی عدالت نمای غربی، نظام دادگرانه خدا - مردمی (= تئوکراسی) را بر خواهد افراشت و بساط ظلم و جور را بر خواهد چید.

به هر کیف مطابق آیه مورد استناد فوق، عامل «خیریت» (= برتری و بهتری) صحابه، اهتمام تمام و کمال آنان به "دعوت اسلامی" و "امر به معروف و نهی از منکر" بود و چون صحابه سخت ترین مشقات و نامایمات را در راه دعوت به سوی خدا تحمل کردند و تا پای جان ایستادند و بالاترین فداکاری را از خود نشان دادند، از میان مسلمانان به لحاظ منزلت ایمانی نیز در درجه نخست قرار گرفتند؛ و هم از این روست که به "خیر القرون" در عالی ترین مراتب آن موصوف گشتند.

دعوت اسلامی و اصول متمم آن

پدیده ای است که صحابه کرام در کنار "دعوت"، به سه اصل مهم دیگر یعنی: الف)، تعلیم و تعلم، ب)، ذکر و عبادت، و ج)، حسن سلوک، که مکمل و متمم اصل دعوت و از لوازم آن بودند، اهتمام جدی داشته اند که اصول چهارگانه فوق روی هم رفته صحیح ترین و مترقی ترین روش

دینداری" را در عصر پیامبر و صحابه در عینیت زندگی تحقق بخشیده بود.

حدیث «خیر القرون» و نظریه علماء درباره آن

در «صحیحین» از حضرت عمران بن حصین چنین منقول است که پیامبر خدا فرمود: «بهترین طبقات مسلمان - از امت من از حیث سودمندی - مسلمانان زمان من هستند، سپس کسانی که متصل در پی آنها می آیند و سپس کسانی که متصل در پی آنها (گروه دوم) می آیند. آنگاه بعد از این سه گروه، طایفه ای از مردم می آیند که گواهی می دهند پیش از آنکه از آنان طلب گواهی بشود، و خیانت می ورزند و بر آنان اعتماد کرده نمی شود؛ پیمان می بندند با خدا و وفای به عهد نمی کنند و در آنها - به سبب گشادگی در رزق و اسباب تعیش - فربهی ظاهر می گردد.»^(۳۲)

درباره حدیث مذکور تاکنون - از قدیم و جدید - سه نظریه مهم از سوی علما و محدثان ارائه شده است:

۱- در یک نظریه، «قرن» چنین معنی شده است: «(و القرن أهل زمان واحد اشترکوا فی أمر من الأمور المقصودة)»؛ مراد از قرن مردمی هستند که در یک عصر زندگی می کنند و در امری از امور مقصود و مهم سهیم بوده و اشتراک دارند.^(۳۳)

بر طبق این نظریه، مقصود از «قرن»، صحابه، تابعان و اتباع تابعان اند که در این صورت مفهوم و معنی حدیث پیامبر چنین است: بهترین - (مسلمانان) - امت من صحابه و بعد از آن تابعان و سپس اتباع تابعان اند. ابن حجر عسقلانی در «فتح الباری» این جمله را نیز اضافه می کند که: گفته اند که - این معنی از قرن - مخصوص به مردمانی است که در عصر یک پیامبر گرد هم آیند و یا - عبارت از کسانی اند که - یک رئیس و پیشوایی، آنان را بر اساس یک ملیت یا مذهب و یا عملی معین دور هم جمع کرده و متشکل سازد.^(۳۴)

۲- در نظریه دوم، از کلمه قرن «مدت و مقطعی از زمان» مراد گرفته شده است. و با این تعبیر از «قرن»، حدیث را اینگونه می توان ترجمه و معنا کرد: بهترین - مسلمانان - امت من، مسلمانان عصر من و عصر دوم و عصر سوم اند.

و گو اینکه ظاهر حدیث حضرت عائشه نیز دلیلی بر صحت نظریه دوم است. حضرت عائشه رضی الله عنها چنین روایت می کند که: «قال رجل: یا رسول الله ای الناس خیر؟ قال صلی الله علیه و سلم: القرن الذی أنا فیہ، ثم الثانی، ثم الثالث»؛ شخصی از حضرت رسول سؤال کرد: ای رسول خدا! بهترین مردم کیانند؟ حضرت صلی الله علیه و سلم در جواب فرمود: - مردم - عصری که من در آن هستم، سپس عصر دوم و از آن پس عصر سوم.^(۳۵)

اینکه کلمه «قرن» بر چه مقداری از زمان اطلاق می گردد، آرا و نظرات مختلفی عرضه شده است که این آرا، اختلاف «قرن» را از ده سال تا صد و بیست سال دانسته اند. البته بجز هفتاد سال و صد و ده سال که بنا به تحقیق ابن حجر، هیچ شخصی تا زمان وی از آنها سخن نگفته است. علامه بدرالدین عینی در کتاب «عمدة القاری» بنابر رأی اکثریت، قرن را سی سال می داند. لیکن نویسنده «فتح الباری» می گوید: قول

و رسالت انبیا در «دعوت» خلاصه می شود. خوانندگان گرامی مستحضر هستند که از منظر فرایند تاریخی، عامل پایداری و توانمندی هر نظام دینی ای بسته به سیستم دعوتی بوده که در آن نظام برقرار و پابرجا بوده است. به محض اینکه پیامبری چشم از جهان فرو می بست، بلافاصله پیامبر دیگری جای پیامبر قبلی را می گرفت و دعوت و تبلیغ به تعطیلی کشیده نمی شد. پس از ختم منصب نبوت، وظیفه و کار نبوت، به تمام و کمال، به امت داده شد. پس عالیترین اعمال، عمل «دعوت» است که پس از ختم سلسله نبوت به تمام و کمال به امت تفویض گردید و همین است مبنا و علت «خیریت».



پی نوشتها:

- ۱- مبارکپوری، صفی الرحمن، الر حقیق المختوم، ص: ۶۶.
- ۲- فاصله زمانی بین بعثت دو پیامبر را «فترت» می گویند.
- ۳- عن ربیع بن عامر، رسول المسلمین فی مجلس یزیدجر، قال: «اللہ ابتعثنا لنخرج العباد من عبادة العباد الی عبادة الله وحده و من ضیق الدنيا الی سعة الآخرة و من جور الأديان الی عدل الاسلام». البداية و النهایة: ۳۹/۷؛ تاریخ طبری: ۴۰۱/۲؛ تاریخ ابن خلدون: ۵۲۴/۲. ضمناً گفتنی است که این روایت را در هیچ یک از کتب معتبره حایث نیافتیم.
- ۴- شیخوپوری، مولانا محمداسلم، ندای منبر و محراب: ۶۱/۴-۶۲، مکتبه حلیمیه، کراچی.
- ۵- «دعوت»، علاوه بر اینکه خود نام اصل مستقلی از اصول چهارگانه برنامه پیامبر می باشد اما همین کلمه «دعوت» تغلیباً بر تمام برنامه و روش تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و اصول چهارگانه آن اطلاق می شود؛ چنانکه گفته می شود: دعوت انبیا و دعوت اسلامی؛ منظور از آن تمام برنامه و اصول دین است.
- ۶- الجامع لأحكام القرآن: ۱۷/۳.
- ۷- مرجع سابق.
- ۸- همان.
- ۹- همان.
- ۱۰- ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، جلد ۱.
- ۱۱- الجامع لأحكام القرآن.
- ۱۲- تفسیر القرآن العظیم.
- ۱۳- الجامع لأحكام القرآن.
- ۱۴- مرجع سابق.
- ۱۵- همان. ن. ک؛ سنن ترمذی: ۱۵۲/۵، مسند احمد: ۱۳۰/۳ و ۱۴۳، صحیح ابن حبان: ۲۰۹/۱۶، مسند طیالسی: ۹۰/۱، معجم اوسط: ۲۳۱/۴، مسند بزار: ۲۴۴/۴، مجمع الزوائد: ۵۷/۱۰.
- ۱۶- قرضای، دکتر یوسف، نسل پیروز، برگردان محمدابراهیم ساعدی رودی. از خوانندگان خواهشمندیم این کتاب را حتماً بخوانند. در این کتاب به نسل پیروزی اشاره شده که از جنبش بیداری اسلامی به محصولی نهضت های دینی جهان اسلام سربرمی کشد و جهان اسلام را خصوصاً و جهان بشریت را عموماً از تباهی رهایی می بخشد!؟
- ۱۷- مسند احمد: ۱۰۳/۴، صحیح ابن حبان: ۹۱/۱۵، مستدرک حاکم: ۶۶۴/۱ و ۱۶۹۳، معجم کبیر: ۲۵۴/۲۰، سنن بیهقی کبری: ۱۸۱/۹، حلیة الاولیاء: ۳۰/۲، مجمع الزوائد: ۷/۶، کنز العمال: ۴۶۹/۱.
- ۱۸- انوار القرآن: ۴۶۲/۱.
- ۱۹- صحیح مسلم: ۱۳۰/۱-۱۳۱، سنن ترمذی: ۱۷۵، سنن ابن ماجه: ۱۳۱۹/۲-۱۳۲۰، مصنف ابن ابی شیبه: ۸۳/۷.
- ۲۰- صحیح ترمذی: ۲۴/۳، صحیح ابن ماجه: ۴۲/۲، مصنف ابن ابی شیبه: ۴۰۴/۶-۴۰۵.
- ۲۱- شرح معانی الآثار: ۱۵۱/۴-۱۵۲.
- ۲۲- فتح الباری: ۶/۷.
- ۲۳- مرجع سابق.
- ۲۴- همان.
- ۲۵- این نظریه مجدداً به وسیله مولانا محمدیوسف کاندهلوی فرزند مولانا محمدالیاس طرح و ارائه شده است.
- ۲۶- هدف از دعوت، روش و برنامه تربیتی جامع پیامبر است.

مشهور صد سال است و حدیث عبدالله بن بسر مؤید این قول است، و اکثر اهل عراق نیز همین نظر را پسندیده اند.

شاه عبدالحق محدث دهلوی در «أشعة اللمعات» می نویسد: اصلح اینست که مضبوط و معتبر در آن عدد معین از زمان نیست؛ زیرا که قول آن حضرت که صحابه اند تا صد و ده سال باقی بودند و قرن تابعان از سنه صد تا هفتاد سال باقی بودند و قرن اتباع تابعان از آنجا تا حدود دوست و شصت سال.

این حجر عسقلانی در همین باره با اندکی اختلاف می نگارد: پوشیده نیست که فاصله زمانی بین بعثت تا آخرین صحابه ای که از دنیا رحلت نموده به صد و بیست سال کمابیش می رسد. و اگر - به جای بعثت - تاریخ وفات پیامبر را معتبر بدانیم - قرن صحابه به صد سال یا نود سال و یا نود و هفت سال - بنابر اختلافی که در تاریخ وفات ابوظیفیل وجود دارد - می رسد و با معتبر دانستن صد سال - قرن صحابه - قرن تابعان از هفتاد تا هشتاد سال و قرن اتباع تابعان از همین تاریخ به پنجاه سال می رسد. با توجه به آنچه گفته شد بدست می آید که مدت زمان هر قرن به اعتبار اختلاف عمرهای مردم آن قرن مختلف می شود - و علمای حدیث - اتفاق کرده اند که آخرین فرد از اتباع تابعان که - به سبب ثقه بودن - سخن او مورد قبول واقع می شده است تا سنه دوست و بیست زندگی کرده است.^(۳۲)

قرن را چه به معنای «یک نسل از مردم» بدانیم و چه به معنای «مقطعی از زمان» قطع نظر از اختلاف آرائی که در دو معنای فوق در میان علما اعم از متقدمان و متأخران بوده به یک نتیجه روشن می رسیم و آن مخصوص بودن «خیریت» به قرون اولی است.

سؤالی که در این باره اذهان برخی از محدثان و محققان اسلامی جدید را به خود مشغول داشته این بود که اولاً: مبانی و علل «خیریت» کدام است؟ و ثانیاً: آیا آن مبانی و علل از مختصات قرون نخستین است یا امکان وجود آنها در قرون بعدی نیز محتمل است و هر عصر و قرنی به تناسب شرایط و ظروف زمان خود نسبت به زمانهای بعدی خیر القرون بوده و می باشد؟

علامه انور شاه کشمیری در این باره سؤالش را چنین مطرح می کند: «هل المراد منه الخیریه فی القرون الثلاثة فقط أو خیریه الأولى فلاخیری کذا لک الی الأبد فلینظر فیہ؟».

نظریه سوم که ذیلاً بدان خواهیم پرداخت پاسخی بدین سؤال است:

۳- نظریه سوم این است که در حدیث، ذکر ظرف، و اراده مظهر و است، و مظهر و نه «اهل قرن» بلکه «اعمال» اهل قرن است.^(۳۳)

حال پرسش این است که کدامین اعمال باعث و بانی منصب و مقام «خیریت» صحابه شده است: نماز؟ روزه؟ حج؟ زهد؟ صحبت و همراهی پیامبر؟ و ...

به اعتقاد صاحبان نظریه سوم که «خیریت قرون اولی» را در «اعمال» آنان می بینند، همه اعمال بجز «دعوت»^(۳۴) در درجه ثانوی قرار دارند. و اما «دعوت»، همان گونه که می دانید، فلسفه ارسال رسل و انزال کتب است و هدف همه انبیا هم این بوده است تا آدمیان را به سوی خدا و آخرت فرا بخوانند. پس تمام فلسفه وجودی نزول کتاب های آسمانی